

همه‌جا برتری با ارزش‌یابی کیفی - توصیفی است

تأثیر شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی بر مهارت خواندن دانش‌آموزان

پژوهشگر: شهربانو حسینی

استاد راهنما: دکتر محرم آقازاده

چکیده‌ای از یک پایان‌نامه‌ی دانشگاهی

اشاره

پژوهش‌های انجام‌شده در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی در دوره‌های کارشناسی ارشد و دکترا، می‌تواند یاری‌گر آموزش و پرورش در اتخاذ تصمیمات مهم باشد. به شیوه‌ی معمول مجله که چکیده‌ای از پژوهش‌های تربیتی را منتشر می‌کنیم، در این شماره نیز چکیده‌ای از یک پایان‌نامه‌ی کارشناسی ارشد در رشته‌ی برنامه‌ریزی درسی را که پژوهش‌گر آن مدیر دبستانی در ناحیه‌ی ۲ کرج است، درج می‌کنیم. این پژوهش به راهنمایی محرم آقازاده، دکترای برنامه‌ریزی درسی و مشاور آموزشی «یونسکو» در ایران، انجام شده است. «هنگامی که مردم از کتاب خواندن بازمی‌مانند، از فکر کردن بازمی‌مانند.» (دیدرو)

سراغاز

و بیان شفاهی ساده و کوتاه درباره‌ی زندگی یک سوادآموز بیان شده است. در مطالعات پیروز، سواد خواندن به‌عنوان فهم، استفاده و تفکر روی متون نوشتاری به‌منظور دسترسی به اهداف، گسترش دانش و توانایی و مشارکت در جامعه معرفی شده است. تمرکز در سواد خواندن، بیشتر «خواندن برای یادگیری» است تا «یادگیری برای خواندن». خواندن به‌منزله‌ی دروازه‌ای است که با عبور از آن می‌توان به ذخایر بی‌انتهای علمی جهان راه یافت. کسی که از مهارت خواندن به‌خوبی استفاده می‌کند، بدون هیچ‌گونه دغدغه و تشویش خاطر، به مصاحبت اندیشمندان نایل می‌شود و از آرا و تجربیات آنان برای بهتر ساختن زندگی خود استفاده می‌کند.

وقتی موضوع خواندن، این‌قدر در زندگی انسان ارزش و اهمیت دارد، وظیفه‌ی حتمی و ضروری والدین و معلمان است که به‌طور دائم میزان پیشرفت خواندن دانش‌آموزان را ارزش‌یابی کنند و باید برای این ارزش‌یابی، معیارها و ملاک‌هایی داشته باشند.

معیارهای خواندن بر حسب محیط، سن، استعداد و کلاس دانش‌آموزان فرق می‌کنند. از این‌رو، نمی‌توان معیار ثابتی به والدین یا معلم پیشنهاد کرد.

ارزشیابی در خدمت آموزش

بویایی و بقا در عرصه‌ی علم و عمل در سطح جهانی نیازمند یادگیری معنادار، عمیق و مداوم است و سنجش تحقق یافتن آن

همه‌ی انسان‌ها صرف‌نظر از جنسیت، نژاد، رنگ و دیگر تفاوت‌های زیست‌محیطی و مهم‌شناختی، از توانایی ویژه‌ای به‌نام «زبان» برخوردارند. معنای تسلط به یک زبان، به‌طور ساده، فرایند تسلط شخص به نام آوایی، واژگان، نحوی، معنایی و کلامی و منظورشناختی آن زبان است. زبان پدیده‌ای انتزاعی و در نتیجه ذهنی است. زبان‌آموزی چهار زمینه یا مهارت اصلی را دربرمی‌گیرد. این حوزه‌ها عبارت‌اند از: گوش دادن، صحبت کردن، خواندن و نوشتن. حوزه یا مهارت گوش دادن و سخن گفتن، در آغاز فرایند زبان‌آموزی، و خواندن و نوشتن در مراحل بعدی قرار می‌گیرند. آموزش را نمی‌توان جدای از زبان در نظر گرفت، زیرا آموزش از طریق زبان صورت می‌گیرد. هنگامی که کودکان زبان را می‌آموزند، صرفاً به نوعی یادگیری در برابر انواع یادگیری‌ها دست نیافته‌اند، بلکه شالوده‌ی خودیادگیری را آموخته‌اند.

زبان یکی از ابزارهای اصلی آموزش است و یادگیری موضوعات درسی مثل علوم، ریاضی، مطالعات اجتماعی و... بدون آموختن مهارت‌های زبانی میسر نیست. گروه کثیری از محققان این موضوع بر این باورند که ناتوانی در خواندن، اثر مستقیمی بر افت و ترک تحصیل دانش‌آموزان دارد.

برخلاف تصور، مفهوم سواد، مفهومی گیج‌کننده و در عین حال بحث‌انگیز است و تعاریف گوناگون و متضادی از آن ارائه شده است. در تعریف یونسکو، سواد به‌عنوان توانایی خواندن و نوشتن یا درک مطلب،

همه‌جانبه‌ی دانش‌آموزان توجه کند و توصیفی از وضعیت یادگیری آن‌ها ارائه دهد تا موجب اصلاح، بهبود و توسعه‌ی دانش‌ها، مهارت‌ها و نگرش‌های دانش‌آموزان شود.

در سال‌های اخیر، تلاش‌های زیادی برای تغییر و تقویت نظام آموزشی در حال شکل‌گیری است. از جمله‌ی این تلاش‌ها، تحول در عناصر نظام آموزشی از جمله در شیوه‌های سنجش آموخته‌های دانش‌آموزان است، زیرا روش‌های تدریس معلمان، تأثیرات عمیق برجای می‌گذارند. به همین منظور، طرح ارزش‌یابی توصیفی، برای رفع

به‌عهده‌ی نظام ارزش‌یابی است. ارزش‌یابی نیازها را کشف، هدف‌ها را تدوین و امکانات یاددهی-یادگیری را فراهم می‌کند و نارسایی‌های موجود در همه‌ی دوره‌های آموزشی را برطرف می‌کند. با وجودی که استفاده از روش‌های کمی و کیفی، اثربخش‌ترین روش برای تمام فعالیت‌های دانش‌آموزان است، ولی هنوز قسمت اعظم ارزش‌یابی‌ها فقط با استفاده از روش کمی صورت می‌گیرد. اجرای شیوه‌های سنتی ارزش‌یابی که عمدتاً به‌صورت تراکمی و در غالب آزمون‌های کتبی و شفاهی صورت می‌گیرد، با توجه به دو اصل پاسخ‌گویی و ارتقای تحصیلی، کاملاً ضروری به نظر می‌رسد. اما برای هدایت و شکل‌دهی به آموزش و یادگیری ناکافی و نارساست. در مقابل، شیوه‌های ارزش‌یابی فرایندمدار در پی پاسخ‌گویی به این پرسش است که: «دانش‌آموز در کجا قرار دارد و من برای پیشرفت او چه می‌توانم بکنم؟»

طبق نظریه‌های جدید، معلم باید در سراسر دوره‌های آموزشی، میزان یادگیری فراگیرندگان را ارزش‌یابی کند. این کار به معلم کمک می‌کند تا از تمام نقاط قوت و ضعف فعالیت‌های آموزشی خود آگاه شود. بنابراین، ارزش‌یابی جزئی از آموزش تلقی می‌شود و جهت آموزش را تعیین و پیش‌رونده می‌کند. به عبارت دیگر، ارزش‌یابی به عمل می‌آید تا آموزش بهتر صورت گیرد و نه این که آموزش انجام می‌گیرد تا ارزش‌یابی به عمل آید.

در صورتی که ارزش‌یابی، درست، صحیح و مناسب انجام نشود، خسارت‌های زیادی دربر خواهد داشت. بعضی آثار ارزش‌یابی نامناسب عبارت‌اند از: کاهش علاقه به یادگیری، افزایش اضطراب امتحان، بروز رفتارهای منفی، افزایش نرخ مردودی و تکرار پایه، اختلال در رشد عاطفی دانش‌آموزان، از میان رفتن خلاقیت، افزایش رقابت ناسالم، ایجاد شرمندگی و سرخوردگی، نادیده گرفتن تفاوت‌های فردی و...

در ارزش‌یابی توصیفی، برخلاف ارزش‌یابی کمی، نگاه ویژه‌ای به جایگاه دانش‌آموزان شده است. این ارزش‌یابی به‌عنوان الگویی کیفی تعریف شده است که می‌کوشد به عمل و کیفیت یادگیری

عکس: طبیعه رحیمی

نواقص نظام ارزش‌یابی فعلی (سنتی) به منزله‌ی گامی تحول‌آفرین در سال تحصیلی ۸۳-۸۲ به‌طور آزمایشی در پایه‌ی اول ابتدایی و در ۲۰۰ کلاس، براساس سهمیه‌بندی مشخص در سطح استان‌های کشور به‌اجرا درآمد که پس از گذشت هفت سال از اجرای آن، هنوز نیز تحقیقاتی درباره‌ی تحقق اهداف آموزش و پرورش در این نوع ارزش‌یابی در حال انجام است.

پژوهش به دنبال چه چیزی بود؟

در این پژوهش، محقق به دنبال پاسخ‌گویی به این سؤال بوده است که آیا شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی، بر مهارت خواندن دانش‌آموزان مؤثر است یا خیر؟ در این راستا، چهار سؤال براساس چهار خرده‌آزمون توانایی گوش کردن، توانایی ترکیب کردن حروف، توانایی معنابخشی و توانایی درک خواندن مطرح شد و از طریق اجرای یک آزمون واحد بین دو گروه دانش‌آموزان مشمول طرح ارزش‌یابی توصیفی و مشمول طرح ارزش‌یابی کمی، نتایجی به‌دست آمد که در زیر به‌طور خلاصه به آن‌ها اشاره می‌شود.

سؤال اول: آیا بین شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی و توانایی گوش دادن، تفاوت معناداری وجود دارد؟
یافته‌های پژوهشی سؤال اول حاکی از آن است که با توجه به میانگین نمره‌ی به‌دست آمده از دو گروه دانش‌آموزان مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی توصیفی و مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی کمی در زمینه‌ی گوش دادن، مدرسه‌ی توصیفی با میانگین نمره‌ی ۶/۷۵ از مدرسه‌ی ارزش‌یابی کمی با میانگین نمره‌ی ۶/۴۰ وضعیت بهتری دارد، ولی این اختلاف از نظر آماری معنادار نیست.

سؤال دوم: آیا بین شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی و توانایی ترکیب کردن حروف تفاوت معناداری وجود دارد؟
یافته‌های توصیفی و استنباطی حاصل، حاکی از آن است که میانگین نمره‌ی خرده‌آزمون ترکیب کردن حروف در مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی توصیفی ۶/۳۵ و در مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی کمی ۵/۷۰ است. بنابراین، دانش‌آموزان مشمول طرح ارزش‌یابی توصیفی، وضعیت بهتر و بالاتری دارند و این اختلاف معنادار است.

سؤال سوم: آیا بین شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی و توانایی معنابخشی، تفاوت معناداری وجود دارد؟
یافته‌های پژوهشی در مورد سؤال سوم حاکی از آن است که میانگین نمره‌ی خرده‌آزمون معنابخشی در مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی کیفی ۵/۵۰ و در مدرسه‌ی با نحوه‌ی ارزش‌یابی کمی ۴/۵۵ است. بنابراین آمار، دانش‌آموزان مشمول طرح ارزش‌یابی کیفی-توصیفی وضعیت بهتری دارند و این اختلاف معنادار است.

سؤال چهارم: آیا بین شیوه‌های ارزش‌یابی کمی و کیفی و توانایی درک خواندن، تفاوت معناداری وجود دارد؟

یافته‌های پژوهش حاصل از این سؤال نشان می‌دهد، میانگین نمرات آزمون دانش‌آموزان با شیوه‌های ارزش‌یابی کیفی ۱۸/۶۰ نسبت به دانش‌آموزان با شیوه‌ی ارزش‌یابی کمی با میانگین ۱۶/۶۵ بالاتر است و این اختلاف معنادار است. درنهایت، یافته‌ها از پیشرفت خواندن دانش‌آموزان مشمول طرح جدید ارزش‌یابی کیفی-توصیفی نسبت به سایر دانش‌آموزان نشان دارد و دانش‌آموزان مشمول این طرح وضعیت بهتری دارند.

پیشنهادها

۱. به موضوع آموزش و دانش‌افزایی همکاران بیشتر توجه شود و در این ارتباط از افراد متخصص استفاده شود.
۲. تجهیزات و امکانات به‌طور یکسان و کافی در اختیار تمامی مدارس قرار داده شوند.
۳. تراکم دانش‌آموزان در کلاس‌های درس کاهش یابد.
۴. به‌منظور بسترسازی فرهنگی و نهادینه‌کردن ارزش‌یابی کیفی در رابطه با توجه به اهمیت و کاربرد ارزش‌یابی کیفی و تأثیر آن بر کاهش اضطراب و عوارض روحی و امتحانات مرسوم، همایش‌هایی برگزار شود.
۵. والدین از طریق انجمن اولیا و مربیان و رسانه‌ها و به‌خصوص صدا و سیما، به‌منظور حمایت از معلمان مجری طرح ارزش‌یابی توصیفی، توجیه شوند.
۶. به جای تأکید بر محتوای کتاب‌ها، بر اهداف آموزش و پرورش تأکید شود.

منابع

۱. آقازاده، محرم، ارزش‌یابی برنامه‌ی درسی آموزش زبان فارسی (بخوانیم و بنویسیم) دوره ابتدایی. مؤسسه‌ی پژوهشی و برنامه‌ریزی درسی و نوآوری‌های آموزشی، گروه پژوهش در اعتباربخشی و ارزش‌یابی از برنامه‌ی درسی. تهران، ۱۳۸۸.
۲. حسینی، محمد و احمدی، حسین. ارزش‌یابی توصیفی، الگویی نو در ارزش‌یابی تحصیلی. انتشارات مدرسه. تهران، ۱۳۸۸.
۳. خوش‌خلق، ایرج (۱۳۸۳). بازنگری در روش‌های سنجش و نقش آن در اصلاحات آموزشی. مجموعه مقالات اولین همایش ارزش‌یابی. برگزارکننده: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی، دفتر ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی. تهران، تزکیه.
۴. زندی، بهمن. روش تدریس زبان فارسی در دوره‌ی دبستان (۱۳۸۶). انتشارات سمت. تهران.
۵. سلیمی‌زاده، محمدکاظم (۱۳۸۳). ارزش‌یابی ترکیبی، گامی نوین در ارزش‌یابی دانش‌آموزان. مجموعه مقالات اولین همایش ارزش‌یابی تحصیلی. برگزارکننده: وزارت آموزش و پرورش، معاونت آموزش عمومی و امور تربیتی، دفتر ارزش‌یابی تحصیلی و تربیتی. تهران، انتشارات تزکیه.
۶. سیف، علی‌اکبر. اندازه‌گیری و ارزش‌یابی پیشرفت تحصیلی (۱۳۷۵). انتشارات آگاه. تهران.
۷. شعاری‌نژاد، علی‌اکبر. ادبیات کودکان (۱۳۸۶). انتشارات اطلاعات. تهران.
۸. فرج‌اللهی، مهران و حقیقی، فهیمه. نقش ارزش‌یابی مستمر در تعمیق یادگیری دانش‌آموزان پایه‌ی دوم دوره‌ی ابتدایی شهر تهران (۱۳۸۶). پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۷۹. تهران.
۹. محمدی، فرزانه و اخوان‌تفتی، مهناز. بررسی تأثیر ارزش‌یابی توصیفی بر عزت‌نفس و رفتارهای کلاسی دانش‌آموزان پایه‌ی سوم ابتدایی شهر تهران (۱۳۸۶). پژوهشکده‌ی تعلیم و تربیت. فصل‌نامه‌ی تعلیم و تربیت، شماره‌ی ۹۰. تهران.
۱۰. ناعمی، علی‌محمد. روان‌شناسی آموزش خواندن (۱۳۸۶). انتشارات آستان قدس رضوی (به‌نشد). تهران.